

شناخت و بررسی حوزه حدیثی طبرستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۲

محمدعلی مهدوی راد^۱

زهرا اکبری^۲

محمدحسین بهرامی^۳

چکیده

در گذشته حوزه‌های حدیثی بسیاری توسط جریان‌های حدیثی شکل گرفته‌اند که به ویژه در پنج سده نخست هجری، در استوارسازی بنیان‌های حدیث نقش بسیار مهمی داشته‌اند. لذا شناخت و بررسی هر یک از این حوزه‌ها، علاوه بر این‌که روشن‌کننده بخشی از تاریخ حدیث است، در بازشناسی محدثان هر منطقه و دستاوردهای آن‌ها نیز مؤثر است. در این میان، یکی از حوزه‌هایی که یادکرد آن در پژوهش‌های معاصر مغفول مانده، حوزه حدیثی طبرستان است که موجودیت خود را از قرون نخست هجری تا دوره میانه و متأخر با دورویکرد شیعه و سنی حفظ کرد. این پژوهش - که به شیوه توصیفی و تحلیلی سامان یافته - به بررسی و شناخت حوزه حدیثی زیدیه در طبرستان می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حوزه حدیثی زیدیه در طبرستان در طلیعه قرن چهارم هجری پایه‌گذاری شد و محدثان بزرگ این مذهب با برپایی مجالس حدیث و کوشش برای آموزش حدیث، سفر به پایتخت‌های مهم دینی و دیدار با مشایخ بزرگ حدیث و آشنایی با دیدگاه‌های گوناگون و تألیف کتاب‌های حدیثی، حوزه حدیثی زیدیه طبرستان را رونق بخشیدند.

کلیدواژه‌ها: حوزه‌های حدیثی، حوزه حدیثی طبرستان، زیدیه

مقدمه

طبرستان با قدمتی کهن، ناحیه‌ای در قسمت شمالی ایران است که اکنون مازندران نامیده می‌شود. براساس اطلاعات جغرافیایی، طبرستان منطقه وسیعی میان جرجان و

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم (نویسنده مسئول) (mhsh_shirvani@yahoo.com).

۲. استاد پردیس فارابی قم (mahdavi@gmail.com).

۳. استادیار جامعه المصطفی العالمیه (mhbahrami@gmail.com).

دیلمان بود و همیشه، نکا، ساری، فریم، لفور، مامطیر، آمل، کلار، لارز، رویان، ناتل و چالوس از شهرهای مهم آن بود. شهرتمیشه که در مرز جرجان قرار داشت، دورترین بخش از نواحی غربی طبرستان بود و آخرین منطقه طبرستان از جانب شرقی محسوب می‌شد.^۱ آنچه آگاهی‌های تاریخی و جغرافیایی بدان صراحت دارد، جرجان منطقه‌ای مستقل و جدا از طبرستان بوده است. در کتاب کهن جغرافیایی حدود العالم، طبرستان از شرق به تمیشه و از غرب به چالوس منتهی می‌شود.^۲ ابن خردادبه نیز در اثر تاریخی خود در معرفی شهرهای طبرستان، نامی از جرجان به میان نمی‌آورد^۳ و در حقیقت «اهمیت راهبردی جرجان سبب شده بود تا هریک از حاکمان طبرستان و خراسان در صدد تسلط بر آن باشند. در واقع وابستگی جرجان به خراسان و طبرستان تحت تأثیر ملاحظات سیاسی بود نه جغرافیایی».^۴ اهمیت مطلب از آن روست که زمانی که از حوزه حدیثی طبرستان نام برده می‌شود، حدود جغرافیایی آن مشخص باشد.

آشنایی اولیه طبرستانی‌ها با حدیث، با ورود رسمی اسلام به طبرستان، یعنی اواسط قرن دوم هجری و اندکی قبل از آن با ورود نمایندگان ائمه به طبرستان، مانند محمد بن زید طبری، صورت گرفت،^۵ ولی فعالیت‌های حدیث‌پژوهی به صورت متمرکز در اواخر قرن سوم هجری آغاز شد و قرن‌های چهارم و پنجم هجری نقطه عطف و اوج سنت حدیث‌پژوهی و رونق معارف اسلامی در طبرستان بوده است.

نگاهی به معیارهایی که به تازگی برای حوزه حدیثی نام برده‌اند،^۶ معلوم می‌کند که در طبرستان یکی از حوزه‌های فعال و پررونق حدیثی دایر بوده است که می‌توان آن را معلول عواملی همچون علم دوستی طبرستانی‌ها و امیران آن و مناسب بودن وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه به نفع فعالیت‌های حدیثی دانست.

مراکز علمی طبرستان از همان ابتدا با دورویکرد شیعه و اهل سنت مواجه شد. این دو رویکرد، دو حوزه متفاوت حدیثی را پدید آورد که هر کدام نقش مهمی در گسترش و رشد

۱. حدود العالم، ص ۱۴۴؛ المسالک و الممالک، ص ۹۹.

۲. حدود العالم، ص ۱۴۴.

۳. المسالک و الممالک، ص ۹۹.

۴. تسنن در طبرستان تا سده هفت هجری، ص ۴۸-۴۹.

۵. رجال الطوسی، ص ۳۶۵.

۶. حوزه‌ها و مکاتب حدیثی، ص ۳۷.

دانش حدیث ایفا کردند. شیعیان طبرستان با دو شاخه امامیه و زیدیه، از ابتدای حضور و سکونت خود، همگام با حرکت و جنبش علمی جهان اسلام با تأسیس مدارس اسلامی و پرورش عالمان و محدثان، به فعالیت‌های علمی و حدیثی پرداختند و طبرستان را به حوزه‌ای مطلوب برای آموزش‌های حدیثی تبدیل کردند؛ به گونه‌ای که تا مدت‌ها محل تجمع علما و پذیرای طلاب و دانشجویان از شهرهای مختلف جهان اسلام شد. شیخ منتجب الدین (م بعد از ۵۸۵ق) با آن‌که در لسان رجالیان به فردی قلیل السفر معروف است و قصد داشته که تنها به پایتخت‌های مهم دینی آن عصر وارد شود، در کنار حوزه‌های اصفهان، بغداد، حله، خوارزم و قزوین، در طبرستان نیز حاضر می‌شود و ضمن شاگردی نزد علما و مشایخ این سرزمین، از بسیاری از آن‌ها اجازه نقل روایت دریافت می‌کند.^۱

به دلیل اهمیت و گستردگی فعالیت‌های هردو گروه شیعه در طبرستان، در این پژوهش فعالیت‌های حدیثی مذهب زیدیه با بررسی پرسش‌هایی در زمینه شکل‌گیری و پیدایش حوزه حدیثی زیدیه، محدثان بنام این مذهب، جلسات حدیثی آنان و تألیفات آنان مورد پژوهش قرار گرفته است.

زیدیه در طبرستان

ویژگی‌های محیطی و فرهنگی شهرهای شمالی ایران راه ورود گروهی را به این سرزمین گشود که علویان نام داشتند. این مهاجران عموماً از زیدیه بودند که از تعلیمات زید بن علی و دیگر رهبران این نهضت پیروی می‌کردند. اوج مهاجرت زیدیان پس از قیام یحیی بن عبدالله در سال ۱۶۹ هجری و مهاجرت او و همراهانش به این منطقه بود.^۲ محققان مهاجرت او را نقطه عطفی در انتقال دعوت زیدیه به شرق خلافت عباسی دانسته‌اند.^۳

مهاجران علوی دولت‌هایی را در سرزمین‌های شمالی به وجود آوردند. در طبرستان حکومت قدرتمند علویان در سال ۲۵۰ هجری توسط حسن بن زید، ملقب به داعی کبیر در شهر آمل تشکیل شد. داعی کبیر با کمک مبلغان مذهب خود، توانست تحول مذهبی گسترده‌ای به وجود آورد؛ به گونه‌ای که شهر آمل - که تا آن زمان مسلمانانش مالکی بودند -

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲. البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۱۰۰.

۳. علویان طبرستان، آغازگر حکومت شیعی در ایران، ص ۵۶.

به شهری شیعی و زیدی شناخته شد. یکی از اقدامات فرهنگی داعی کبیر برگرداندن تعبیر «حیّ علی خیر العمل» به اذان بود.^۱

این سلسله بیش از صد سال توانست موجودیت خود را حفظ کند و رهبرانی با مذهب زیدیه آن را هدایت کنند. ابوالفتح حکیمیان در کتاب علویان طبرستان اسامی رهبران زیدیه در طبرستان را به ترتیب تاریخی آورده است.^۲

شکل‌گیری حوزه حدیثی زیدیه در طبرستان

جامعه زیدی در فاصله قرن سوم تا ششم هجری شاهد حضور جدی علمای زیدی بود که متأثر از شخصیت‌های برجسته زیدی بوده و در حوزه‌های مختلف علمی درخشیدند و آثار فراوانی را پدید آوردند. یکی از زمینه‌هایی که زیدیه در آن فعالیت داشت، حوزه حدیث و علوم آن بود که کهن‌ترین اثر آن با عنوان مسند الإمام زید شناخته می‌شود. در میان علویان زیدی که به طبرستان مهاجرت کرده بودند نیز مجاهدانی وجود داشتند که از دانش‌های دینی بی‌بهره نبودند و از این لحاظ توانستند به امر آموزش علوم دینی بپردازند. گزارش‌های تاریخی از برپایی جلسات پررونق و متعدد محدثان زیدی و راوی متون شیعی در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری حکایت می‌کند. برپایه این اطلاعات، این جلسات در برخی شهرها مانند آمل بسیار گسترده و منظم برپا بود.

البته در ابتدا این فعالیت‌ها چندان سامان‌دهی نشده بودند، ولی با تأسیس مدرسه ناصریه در شهر آمل در ابتدای قرن چهارم هجری، حوزه علمی زیدیه پایه‌گذاری و پژوهش‌های حدیثی آغاز شد. از آن پس، محدثان زیدی زیادی در طبرستان به امر حدیث اشتغال یافتند. آن‌ها با سفرهای علمی و دیدار با مشایخ حدیثی و استفاده از اطلاعات و دانش‌های آنان، شاگردانی تربیت کرده و آثار متنوع حدیثی نگاشتند.

محدثان زیدی مذهب طبرستان

با وجود حضور جدی زیدیان در عرصه علمی، اطلاعات اندکی درباره این عالمان وجود دارد؛ چرا که اولاً با وجود ثبت نام و آثار این علما در کتاب‌های تراجم زیدی مانند مطلع البدور نوشته احمد بن ابی الرجال (م ۱۰۹۲ق) و طبقات الزیدیه الکبری نوشته شُهاری

۱. تاریخ طبرستان، ص ۲۲.

۲. علویان طبرستان، ص ۷۲-۷۵.

(م ۱۱۵۲ق)، متأخر بودن این تراجم‌نگاران - که عموماً یمنی نیز بودند - سبب شد تا آن‌ها نتوانند تصویر روشنی در خصوص این علما ارائه کنند. جالب آن‌که این تراجم‌نگاران زیدی حتی در تلفظ نام علمای زیدی ایرانی نیز مشکل داشتند.^۱

ثانیاً، اگرچه در کتاب‌هایی که به سیره‌نگاری زیدیه و طبقات آنان اختصاص دارد، علما و محدثان زیدی مذهب نیز معرفی شدند، اما در این کتاب‌ها بیشترین تمرکز روی حیات سیاسی است و انگیزه تألیف نیز به نظر می‌رسد اثبات مشروعیت امامان زیدی باشد. لذا همه جنبه‌های حیات مؤلف در نظر گرفته نشده است.

ناصر کبیر

یکی از محدثان برجسته زیدیه طبرستان، ناصر کبیر، حسن بن علی (م ۳۰۴ق) مشهور به اطروش است. ناصر کبیر از علویان مهاجرت‌کننده به طبرستان و جدّ مادری سید رضی و شریف مرتضی است. پدرش علی بن حسن از عالمان و سادات برجسته مدینه بود. ناصر کبیر در حدود سال ۲۳۰ هجری در شهر مدینه به دنیا آمد و در اواخر حکومت محمد بن زید، دومین حاکم علوی به همراه گروهی از علویان به این منطقه وارد شد. ناصر کبیر در ابتدا از مبلغان مذهبی محمد بن زید در خراسان بود و مذهب زیدیه را در این منطقه تبلیغ می‌کرد. او پس از مرگ محمد بن زید، به دیلم رفت و دعوت دینی خود را در آنجا آغاز کرد.^۲ ناصر کبیر در سال ۳۰۱ هجری با حمایت طرفداران خود از دیلم و طبرستان بر نیروهای سامانی غلبه یافت و به حکومت طبرستان دست یافت و به عنوان سومین حاکم علوی و از تأثیرگذارترین آن‌ها شناخته شد.

درباره مذهب ناصر کبیر قضاوت‌های مختلفی وجود دارد. برخی از رجالیان و محققان متقدم و متأخر او را امامی معرفی کرده‌اند؛ برای نمونه، شیخ طوسی او را از طبقه یاران امام حسن عسکری علیه السلام دانسته و یا علامه حلی نیز به امامی بودن او اعتقاد دارد.^۳ اما دلایل موجهی مبنی بر زیدی بودن ناصر کبیر وجود دارد. نخست، آن‌که با وجود نزدیک بودن برخی از دیدگاه‌های فقهی او به امامیه، بیشتر آرای فقهی او رنگ و بوی زیدی دارد؛ برای نمونه او در زمینه امامت مطابق با دیدگاه زیدیه به قیام به سیف اعتقاد داشت و خود نیز برای دست

۱. چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، ص ۱۵.

۲. تاریخ طبرستان، ص ۲۵۱-۲۵۲.

۳. خلاصه الاقوال، ص ۲۳۹.

گرفتن حکومت طبرستان چندین بار قیام کرد. مراجعه به تاریخ روشن می‌کند که ناصر کبیر مکتب یا مذهب فقهی ویژه‌ای داشت و آرای فقهی او حتی با آرای زیدیه پیش از او نیز اختلاف آشکاری داشت، لذا پیروانش مذهب دیگری در کنار مذهب فقهی موجود، یعنی قاسمیه تأسیس کردند که به ناصریه شهرت داشت و تا مدت‌ها زیدیان طبرستان به این مذهب گرایش داشتند.

دیگر، آن‌که علمای اسلامی مانند ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء،^۱ ابن خلدون در تاریخ^۲ و ابن ندیم در الفهرست^۳ او را صریحاً زیدی معرفی کرده‌اند.

درباره وثاقت و شأن علمی ناصر کبیر اتفاق نظر وجود دارد و صاحبان فضل و اندیشه او را به فرزاندگی و کمال ستوده‌اند. شریف مرتضی در شرح المسائل الناصریه به توصیف جدّ مادری خود ناصر کبیر با عبارت‌های «فضله فی علمه و زهده و فقهه اظهر من الشمس الباهره» می‌پردازد.^۴

ناصر کبیر مدتی در کوفه اقامت داشت و آموزش‌های حدیثی را در این شهر آغاز و از محضر از استادان بزرگی استفاده کرد.^۵ شهر کوفه به دلیل گرایش‌های علوی، نخستین مرکز مهم فعالیت زیدیه بود. اول بار عالمان زیدی این شهر به تدوین آرا و عقاید زیدیه اقدام کردند. لذا شهر کوفه در شکل‌گیری و تدوین منشور عقاید و مذهب زیدیه اهمیت زیادی می‌یابد.

بازشناسی برخی از استادان ناصر کبیر از تنها اثر انتشار یافته او، یعنی البساط که در بردارنده مسائل و موضوعات مهم کلامی است، ممکن است. براساس اطلاعات این کتاب، مهم‌ترین استاد او محمد بن منصور مرادی از عالمان زیدی کوفی و از بزرگان این طائفه است که ناصر کبیر در این کتاب احادیث فراوانی از او نقل کرده است.^۶ همچنین ناصر کبیر متون حدیثی مشهور زیدیه، مانند الامالی احمد بن عیسی بن زید (م ۲۴۷ق) را از او سماع کرد و بعدها خود راوی احادیث این کتاب در مجالس املائی حدیث بود.^۷ در

۱. معالم العلماء، ص ۱۱۳.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۵۸.

۳. الفهرست، ص ۲۴۴.

۴. موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۴۸.

۵. چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، ص ۷۷.

۶. البساط، ص ۶۹.

۷. تیسیر المطالب، ص ۵۵-۵۶.

مجموع کتاب البساط نشان دهنده پیروی ناصر کبیر از سنت زیدیان کوفه است. عبدالله بن محمد مدنی، بشر بن هارون، محمد بن علی بن خلف از دیگر استادان کوفی ناصر کبیر هستند.^۱

از دیگر افرادی که ناصر کبیر نزد او شاگردی کرد، عالم برجسته امامی، احمد بن محمد بن عیسی قمی است که روایاتی از او در این کتاب وجود دارد.^۲

این آموزش‌ها از ناصر فردی عالم و محدث ساخت، به گونه‌ای که در آغاز ورود به طبرستان مقام بلند علمی او بر همگان مکشوف شد.^۳ ناصر کبیر پس از آرام ساختن محیط طبرستان از جنگ افروزی‌ها به کارهای فرهنگی روی آورد و به نشر علوم دینی، به ویژه حدیث همت گماشت. او به آموزش همگانی اعتقاد داشت. لذا در شهر آمل جلسات املائی حدیث برپا کرد و با علمای سایر فرقه‌ها به مناظره و گفتگو نشست.^۴

از دیگر فعالیت‌های ناصر کبیر در عرصه فقه و حدیث، تألیف کتاب است. ابن ندیم در الفهرست، مصنفات او را صد عنوان کتاب می‌داند و یادآور می‌شود که به برخی از آن‌ها دست یافته است.^۵ نجاشی در معرفی آثار ناصر کبیر به ترتیب به کتاب فی الامامة صغیر، الطلاق، کتاب فی الامامة کبیر، کتاب فدک، کتاب خمس، کتاب الشهداء و فضل و اهل الفضل منهم، کتاب فصاحة ابی طالب، کتاب معاذیر بنی هاشم فیما نقم علیهم، کتاب الانساب ائمه الی موالیدهم الی صاحب الامر علیه السلام اشاره می‌کند.^۶

ابوالعباس حسنی

ابوالعباس حسنی، احمد بن ابراهیم در شهر آمل چشم به جهان گشود و خیلی زود به یکی از چهره‌های مهم زیدیه بدل شد. شهرت حسنی در سنت زیدیه، علاوه بر تألیف آثار متعدد به ویژه المصاییح، شاگردی سه تن از امامان زیدی، یعنی برادران هارونی و ابوعبدالله داعی نزد او در طبرستان است. از تحصیلات حسنی اطلاعات کاملی وجود ندارد، اما بر اساس سخن شاگردش ابوطالب هارونی در کتاب الإفاده درمی‌یابیم که او در سال ۳۲۲ هجری به

۱. چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، ص ۷۷.

۲. البساط، ص ۷۵.

۳. چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، ص ۷۸.

۴. تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۶۲۶.

۵. فهرست النجاشی، ص ۲۷۳.

۶. رجال الطوسی، ص ۵۷-۵۸.

شهری سفر کرد و از عالمان و بزرگان آن دیار، مانند ابوزید علوی و ابن ابی حاتم رازی از محدثان شافعی حدیث شنید. حسنی به واسطه ابوزید - که مهم ترین استاد او در حدیث محسوب می شد - محمد بن بلال و ابوالحسین علی بن اسماعیل از ناصر کبیر روایت می کند.^۱

افزون بر آن، به واسطه نقل های فراوان ابوطالب هارونی در تیسیر المطالب از ابوالعباس حسنی می توان دیگر مشایخ او را شناخت و به سفرهای او پی برد. براین اساس او در کوفه از افراد بسیاری مانند ابو عبدالله غنوی،^۲ احمد بن سعید بن عثمان ثقفی،^۳ علی بن داود بن نصر،^۴ عبدالله بن جعفر حضرمی،^۵ ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید مشهور به ابن عقده و دیگران حدیث شنید.

ابوالعباس حسنی در فقه تبحر خاصی داشت و پیرو فقه الهادی الی الحق بود. او کتاب های الهادی را با اجازه فرزندش محمد دریافت کرد و راوی این آثار شد. او شرحی بر کتاب الاحکام الهادی الی الحق نگاشت که بخشی از آن باقی مانده است. حسنی در این شرح، احادیثی دال بر افضل بودن امام علی علیه السلام و کافردانستن پیشی گیرندگان بر او نقل کرده است. همچنین او حدیثی را که درباره عالم ذر و ایمان آوردن بندگان به ولایت امام علی علیه السلام صادر شده آورده و درباره آن سخن گفته است. وی نص خفی درباره امام علی علیه السلام را - که در سنت کلامی زیدیه رایج است - برنتابیده و نظرات تندی علیه خلفای راشدین ابراز داشته است.^۶

علی بن مهدی مامطیری

محدث زیدی، علی بن مهدی حسینی طبری مامطیری (م ۳۶۰ ق)،^۷ از نبلا و بزرگان طبرستان بود. ابن اسفندیار او را «الامام البارع»^۸ و ابن عساکر او را فقیه و متکلم معرفی کرده

۱. الإفاده، ص ۱۰۴.

۲. تیسیر المطالب، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۷۳، ۷۶ و ۸۰.

۴. همان، ص ۸۴.

۵. همان، ص ۸۹.

۶. تتمه المصابیح، ص ۳۹.

۷. معالم العلماء، ص ۷۱.

۸. تاریخ طبرستان، ص ۱۲۵.

است.^۱ عمده شهرتش به واسطه تألیف کتاب نزهة الأبصار و محاسن الآثار است که قدیمی‌ترین نسخه سخنان و خطبه‌های امام علی علیه السلام است.

مطالعه آثار او معلوم می‌کند که مامطیری برای تحصیل علوم به بغداد مسافرت کرد و از مشایخ اهل سنت آن دیار حدیث شنید.^۲ همچنین او به بصره رفت و مدتی مصاحب ابوالحسن اشعری بود.^۳ لذا با وجود صراحت رجالیانی مانند ابن شهر آشوب مازندرانی مبنی بر زیدی بودن او، برخی در مذهب او تردید کرده و او را شافعی و اشعری دانسته‌اند که این مطلب با توجه به این‌که «در کتاب او گفته‌ای از اشعری و اشاعره به غیر از ذکر برخی مناقشات درباره امامیه و معتزله وجود ندارد»،^۴ قابل قبول نیست.

مامطیری به جز نزهة الأبصار و محاسن الآثار، آثاری از جمله تأویل الآیات المشکله و تأویل الأحادیث المشکلات الواردة فی الصفات، المجالس و... تألیف کرد.^۵

مامطیری نزد استادان بزرگی، مانند ابوعبدالله ازدی بغدادی معروف به نبطویه، ناصر کبیر، محمد بن جریر طبری، ابن درید بغدادی، محمد بن فضل، ابن انباری، ابوبکر رویانی طبری، ابومحمد رویانی و... شاگردی کرده و بعدها با عنوان شیخ حدیث، پذیرای افرادی مانند ابوالمحاسن رویانی از بزرگان اهل سنت طبرستان و ابوطالب هارونی از علمای زیدیه بود.^۶

ابوالحسین هارونی

ابوالحسین هارونی، احمد بن حسین مشهور به المؤید بالله (م ۴۱۱ق) متولد سال ۳۳۳ هجری در منطقه کلادجه شهر آمل از چهره‌های مهم زیدیه بود. تحصیلات نخستین خود را نزد پدرش - که از عالمان امامی بود - گذراند و سپس در مجالس درس ابوالعباس حسنی شرکت کرد که این فرد نقش مهمی در تغییر عقیده او از امامیه به زیدیه داشت. همچنین سفر او به عراق نیز تأثیر زیادی در تغییر اعتقاداتش داشت. او پس از اتمام تحصیلات خود به شهر آمل بازگشت و مدتی نقابت علویان را بر عهده گرفت.^۷ او و برادرش ابوطالب هارونی

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۴، ص ۳۹۹.

۲. نزهة الأبصار، ص ۱۸.

۳. طبقات الشافعیة الکبری، ج ۳، ص ۴۶۶.

۴. نزهة الابصار، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۲۳-۲۵.

۶. همان، ص ۲۹.

۷. مطلع البدور، ج ۲، ص ۲۲۱.

نقش و اهمیت زیادی در سنت زیدیه دارند.

ابوالحسین هارونی آثار مختلفی در فقه، حدیث و کلام زیدیه نگاشت که اُمالی مهم‌ترین نگاهشته حدیثی اوست.^۱ به گفته ابن‌اسفندیار کتاب‌های المؤید بالله در دست آموزگاران علوم دینی در طبرستان بوده و به تعلیم شاگردان رغبت زیادی داشتند.^۲

ابوطالب هارونی

ابوطالب هارونی، یحیی بن حسین (۳۴۰ - ۴۲۴ق)، مانند برادرش ابوالحسین، ابتدا نزد پدرش به تحصیل پرداخت. از دیگر استادان تأثیرگذار او در طبرستان، ابوالعباس حسنی است که نقش عمده‌ای در تغییر عقیده او از امامیه به زیدیه داشت. او در بغداد نیز از ابوعبدالله بصری از مشایخ معتزله این شهر علم کلام آموخت.

ابوطالب هارونی آثاری تدوین کرد که در سنت زیدیه اعتبار فراوانی دارد. آثار کلامی او بسی فراوان است که الدعاه را می‌توان مهم‌ترین اثر کلامی او دانست. تألیفاتی نیز در فقه زیدیه دارد که نشان‌دهنده تأثیر او در فقه زیدیه است.

ابوالقاسم بُستی

ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء، ابوالقاسم بُستی، اسماعیل بن علی (م ۴۲۰ق) را زیدی معرفی می‌کند.^۳ کهن‌ترین ترجمه بُستی گزارشی است که حاکم چُشمی در ضمن معرفی شاگردان قاضی عبدالجبار معتزلی آورده است که مطابق آن، بُستی از علمای شهرری و از برترین شاگردان قاضی عبدالجبار معتزلی بود و مرتبه علمی او به حدی بود که چون از قاضی پرسش می‌شد، جواب آن را به بُستی حواله می‌کرد. او در زمان ابوالحسین هارونی به شهر آمل مهاجرت کرد و اقامت گزید.^۴

ابوالقاسم بُستی فاصله سال‌های ۴۰۳ تا ۴۱۱ هجری را در شهر آمل گذراند و به تدریس حدیث مشغول شد. او در این شهر مجلس املائی حدیث داشت و به پرسش‌های مخاطبان پاسخ می‌داد. نقل است که از او در روز عید غدیر از برتری امام علی علیه السلام بر ابوبکر پرسیدند و او در پاسخ گفت: «علی به خداوند شرک نوزید». پاسخ او به دلیل جمعیت فراوان اهل سنت

۱. تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۸.

۲. همان.

۳. معالم العلماء، ص ۱۳۸.

۴. الذریعه، ج ۲، ص ۲۸۹.

در این شهر به درگیری انجامید.^۱

از بستی یک اثر ارزشمند حدیثی به نام المراتب برجای مانده که به فضایل اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام علی علیه السلام اختصاص دارد. او در این کتاب با توجه به مخاطبان اهل حدیث طبرستان - که بیشتر از حنابله بودند و افضلیت امام علی علیه السلام را باور نداشتند - به بیان فضایل امام علیه السلام بر اساس روایات نقل شده از اهل سنت پرداخته است.^۲

ابوالحسین طبری

ابوالحسین طبری از محدثان و متکلمان زیدیه است. ابوالحسین طبری صاحب آثاری است که برخی حدیثی است و در دفاع از نظام کلامی و فقهی هادی الی الحق نوشته است. به واقع، آثار او در فهم و شناخت مراحل تحول نظام کلامی زیدیه بسیار اهمیت دارد. او در آثار کلامی خود مانند المنیر سخنان و خطبه‌هایی از امام علی علیه السلام نقل کرده است که با توجه به قدمت کتاب اهمیت خاصی دارد.^۳

جلسات حدیثی محدثان زیدی طبرستان

گزارش‌های تاریخی از برپایی جلسات محدثان زیدی و راوی متون شیعی از اواخر قرن سوم هجری حکایت می‌کند. برپایه این اطلاعات این جلسات در برخی شهرها مانند آمل بسیار گسترده و منظم بود. جلسات حدیثی ناصر کبیر در مدرسه ناصریه شهر آمل به عنوان مهم‌ترین مرکز آموزشی طبرستان برگزار می‌شد. این مدرسه محل تدریس روایات و علوم اهل بیت علیهم السلام و مجالس بحث و مناظره بوده است. درباره این مدرسه، شیوه‌های تدریس و مباحث درسی آن اطلاعات اندکی در منابع وجود دارد. گفته شده که مجالس درس ناصر کبیر به دو صورت عمومی و خصوصی تشکیل می‌شد؛ مجالس املائی حدیث، عمومی و با حضور همه مردم بود و در مجالس خصوصی که به عالمان و دانشمندان اختصاص داشت، بحث‌های مهم کلامی تدریس می‌شد. این جلسات سبب شد تا بسیاری از عالمان شیعی از مراکز علمی آن روزگار رهسپار طبرستان شوند.^۴

مباحث رجالی نیز از مهم‌ترین مواد درسی این مدرسه بود که توسط ناصر کبیر تدریس

۱. همان.

۲. همان.

۳. الحدائق الوردیه، ج ۱، ص ۳۳-۳۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۷.

می‌شد. حسن بن حمزه طبری، از رجال بزرگ امامیه، از محمد بن امیدوار طبری، از شاگردان ناصر مطلبی نقل می‌کند که به این مسأله اشاره دارد. در این نقل، محمد بن امیدوار از شیخ خود ناصر کبیر به دنباله روایتی از حمران بن اعین، درباره تعداد برادران اعین و علم و فقاہت آن‌ها سخنانی می‌شنود.^۱

این مدرسه پس از مرگ ناصر کبیر نیز دایر بود. ابن اسفندیار از وجود این مدرسه در زمان حیات خود یاد می‌کند.^۲ اردشیر بزرگ نیز در کتاب تاریخ تبرستان یادآور شده که این بنا تا قرن هشتم هجری برپا بوده است.^۳ حتی می‌توان ادعا کرد که بعد از ناصر کبیر رونق این مدرسه برقرار بوده است. به گفته ابن اسفندیار، بعد از وفات عضدالدوله دیلمی، به هنگام حکومت قابوس بن وشمگیر، مردی مست از کنار مشهد ناصر کبیر عبور کرد و فقهای این مدرسه او را تأدیب کردند.^۴ از کلمه «فقها» می‌توان دریافت که پس از مرگ ناصر کبیر نیز مدرسه ناصر محل تحصیل طالبان علم و دانشجویان بوده است.

از دیگر مجالس حدیثی و علوم دینی شهر آمل، مجالس درس ابوالعباس حسنی بود. او - که از استادان بزرگ زیدی بود و شهرت زیادی داشت - مجالس متعددی برای طالبان علوم برپا می‌کرد. در جلسات درس حسنی، برادران هارونی، ابوالحسین و ابوطالب و همچنین علی بن بلال آملی - که از شاگردان خاص حسنی بود و در تکمیل برخی پژوهش‌های او اهتمام داشت - شرکت می‌کردند.^۵

ابوالحسین و ابوطالب هارونی نیز از چهره‌های مهم علویان هستند که با برگزاری مجالس درس و بحث نسلی از شاگردان زیدی را تربیت کردند.^۶ فرد دیگری که به تدریس حدیث اشتغال داشت، ابوالقاسم بُستی است. بُستی با برپایی مجالس املائی حدیث در جامع شهر آمل خیل عظیمی را با علوم اهل بیت علیهم‌السلام آشنا کرد. مجالس درس او با توجه به جمعیت این شهر - که بیشتر از حنابله بودند - اهمیت می‌یابد که آنان گاهی در برابر روایات شیعه موضع می‌گرفتند و با شنیدن فضائلی از اهل بیت علیهم‌السلام در دسرهایی برای او

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۹۰-۹۲.

۲. تاریخ طبرستان، ص ۱۲۳.

۳. تاریخ طبرستان، ص ۱۰۸.

۴. تاریخ طبرستان، ص ۱۲۳.

۵. تیسیرالمطالب، ص ۵۵۸.

۶. چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، ص ۱۱۷.

درست می‌کردند.^۱ یوسف بن حسن کلاری از شاگردان الهادی بن مهدی حُقینی در بخش استنداریه روستای هشتکین مدرسه‌ای داشت که انواع علوم دینی، مانند حدیث در آن تدریس می‌شد.^۲

تالیفات حدیثی محدثان زیدی طبرستان

حضور زیدیه در مناطق شمالی ایران، به ویژه در طبرستان و دیلمان - که از قرن سوم تا دهم هجری به طول انجامید - باعث پدید آمدن میراثی پربار شد که اکنون به صورت‌های مختلفی، همچون میراث مکتوب و بناهای تاریخی باقی مانده است.

البته با از میان رفتن جوامع زیدی در عصر صفویه، تمایل اندکی به حفظ میراث زیدیان ایران وجود داشت و بسیاری از این آثار از میان رفت. با این حال، اندک میراث مکتوب باقی مانده زیدیان ایران - که مربوط به قرن‌های سوم تا پنجم هجری است - به واسطه کوشش‌های زیدیان یمنی در چند مرحله به یمن منتقل شد که این امر به حفظ و نگهداری این میراث انجامید.

الأمالی

مهم‌ترین اثر حدیثی ناصر کبیر الأمالی است که متأسفانه به دست ما نرسیده است. این مجموعه حدیثی حاصل روایت‌های او در مجالس املائی حدیث است و موضوع آن فضایل اهل بیت علیهم‌السلام است.^۳ ناصر کبیر بخشی از احادیث الامالی را از کتاب الامالی احمد بن عیسی بن زید، به واسطه استادش محمد بن منصور نقل کرده است. نکته دیگر درباره این اثر تأثیرگذاری آن در آثار بعدی است؛ چنان‌که ابوطالب هارونی در الامالی خود به این کتاب توجه داشته و برخی از روایات آن را تخریج کرده است.^۴

العلل

کتاب العلل از تالیفاتی است که به دست ما نرسیده و شناخت ویژگی‌ها و محتوای آن، تنها از راه آثاری میسر است که درباره آن سخن گفته‌اند. نسخه‌ای خطی از قرن هشتم از نویسنده‌ای زیدی وجود دارد که فصل نوزدهم آن به بررسی آثار منسوب به ناصر کبیر

۱. شرح عبون، ص ۳۸۵-۳۸۶؛ الذریعه، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. طبقات الزیدیه الکبری، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۳. الذریعه، ج ۲، ص ۳۰۸.

۴. تیسیر المطالب، ص ۵۵-۵۶.

اختصاص دارد. براساس اطلاعات آن، کتاب العلیل به کتاب علل الشرایع شیخ صدوق شباهت داشته و منسوب به ناصر کبیر است. نویسنده اختلاف نظرها درباره انتساب این کتاب به ناصر کبیر را نیز گزارش می‌کند. به گفته او ابوجعفر هوسمی کتاب العلیل را تألیف یکی از اسماعیلیان دانسته و محمد بن صالح تنه‌جانی (م ۶۷۵ق) انتساب اثر مذکور به ناصر را بی‌اشکال دانسته است.^۱

المصایح

المصایح، مهم‌ترین اثر ابوالعباس حسنی، عالم بزرگ زیدیه است. این کتاب اثری تاریخی - حدیثی و در حقیقت، نوعی طبقات‌نگاری امامان زیدی است. ابوالعباس حسنی با بهره گرفتن از تک‌نگاری و سیره‌نگاری‌های قرن‌های دوم و سوم هجری - که عموماً به علمای زیدیه اختصاص داشتند - به نوعی طبقات‌نگاری دست زد که توانست تحولی در سنت تاریخ‌نگاری زیدیه ایجاد کند.^۲

المصایح از حیث اطلاعاتی که درباره علما و امامان زیدیه به مخاطب می‌دهد، ارزش رجالی دارد. بخش نخست این کتاب، گزارش مفصلی درباره زندگی پیامبر اسلام ﷺ و خلفای نخستین است که از این لحاظ باید آن را یکی از نصوص قدیمی در سنت و سیره نبوی دانست. از مصادر مهم حسنی در این بخش، کتاب سیره ابن اسحاق (م ۱۵۱ق) است که از طریق ابراهیم بن سعید زهری،^۳ یونس بن بکیر فزاری،^۴ عبدالرزاق بن محمد،^۵ سلمه بن فضل انصاری^۶ و گاهی به صورت مستقیم با عبارت «قال ابن اسحاق» از آن نقل می‌کند. همچنین از کتاب المغازی احمد برقی نیز نقل کرده است. ابوالعباس حسنی بعد از شرح وقایع عصر پیامبر ﷺ و خلفای سه‌گانه، به حوادث دوران امام علی علیه السلام می‌پردازد. مهم‌ترین منبع او کتاب وقعة صفین نصر بن مزاحم منقری است. سپس به شرح شهادت امام حسین علیه السلام پرداخته و آنگاه درباره قیام‌های امامان زیدی سخن گفته است.

متأسفانه کتاب المصایح به علت فوت زود هنگام حسنی ناتمام مانده و شاگردش علی

۱. اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعه تاریخ فرهنگی علویان شمال ایران، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۲. دو مورخ گمنام زیدی، ص ۴۴.

۳. المصایح، ص ۹۴، ۱۴۷، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۵،

۴. همان، ص ۹۶ و ۱۲۸.

۵. همان، ص ۱۰۳.

۶. همان، ص ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۱۷، ۲۳۲، ۲۴۴.

بن بلال آملی پژوهش نیمه کاره استاد را به همان روش او به سرانجام رسانده و آن را تتمه المصابیح نام نهاده است. این اثر در پایان کتاب المصابیح به چاپ رسیده است.

شرح الاحکام

الاحکام کتابی متعلق به الهادی الی الحق از امامان زیدی و نشان دهنده سنت کلامی پیروان هادی در یمن است که ابوالعباس حسنی شرحی بر آن نگاشته است. در شرح الاحکام روایاتی وجود دارد که برافضل بودن امام علی علیه السلام از دیگر خلفا دلالت می‌کند و پیشی‌گیرندگان او را کافر معرفی می‌کند.^۱ حسنی در این کتاب تا جایی که توانسته از حقانیت امام علیه السلام دفاع نموده و نظرات تندى نسبت به خلفای راشدین ابراز کرده است. نکته مهم درباره این کتاب آن است که ابوالعباس حسنی در پی اثبات عصمت برای امام علیه السلام است که از این نظر مشابه دیدگاه امامیه درباره پیشوایان معصوم دین است.^۲ علی بن بلال آملی از شاگردان ابوالعباس حسنی این کتاب را تلخیص کرده و آنچه اکنون از این کتاب در دست است، گزیده‌ای است که محمد بن حسن عجری (ت ۳۵۲ق) از شخصیت‌های معاصر زیدی، با نام إعلام الأعلام بأدلة الأحکام گردآوری کرده است.

النبوات

النبوات در ادامه سنت کهن دلایل‌نگاری متعلق به ابوالحسین هارونی است. النبوات در چهار فصل سامان یافته که در فصل دوم آن احادیثی درباره دلایل نبوت وجود دارد. این کتاب از حیث مطالبی که مؤلف از عهدین نقل کرده و تسلط او بر دیگر ادیان - که زمینه‌های آن را استادش قاضی عبدالجبار معتزلی ایجاد کرد - اهمیت می‌یابد. هارونی برای یافتن شواهدی درباره نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله به عهدین رجوع کرده است.^۳

الأمالی الصغری

این کتاب نیز متعلق به ابوالحسین هارونی است که منتشر شده است. الأمالی هارونی مشتمل بر بیست و شش حدیث است که گویا مؤلف در صدد ادامه و تکمیل آن بوده، ولی بر حسب شرایط پیش آمده موفق به انجام آن نشده است. این احادیث به موضوعاتی همچون معجزات نبوی صلی الله علیه و آله، فضایل اهل بیت علیهم السلام، نمازهای استحبابی، فضیلت سوره‌های قرآن،

۱. اعلام الأعلام بأدلة الأحکام، ص ۳۹-۴۲.

۲. زیدیه در ایران، ص ۱۱۵.

۳. همان.

آداب وضو... می‌پردازد. او در الأمالی از محدثان غیرزیدی نیز حدیث آورده است. این کتاب به روایت قاضی جعفر است که او به واسطه استاد خود قاضی احمد بن حسن کنی از ابوعلی فرازادی و ابورشید قاسوراء و ابن ابی العلاء نقل کرده است.^۱

المراتب

المراتب نوشته ابوالقاسم بُستی است. بُستی در صدد نشان دادن افضل بودن امام علی علیه السلام بر خلفای پیش از خود است. او با مشاهده جماعت اهل حدیث طبرستان - که فضایل امام علی علیه السلام را نادیده گرفته و با فتنه خواندن دوران امام علیه السلام، خلافت آن حضرت را نادرست می‌دانستند - با بیان احادیث فضایل اهل بیت علیهم السلام از خلافت و افضل بودن ایشان دفاع کرده است.^۲ او در آغاز کتاب به خواننده وعده می‌دهد که دویست فضیلت امام علیه السلام را که نزد وی است، نقل کند؛^۳ اما آنچه اتفاق افتاده چهار صد و پنجاه فضیلت است. «او در کتاب خود غالباً روایت‌های متواتر و مشهور و حتی اخبار آحاد را به نقل از منابع مطمئن و موثق می‌آورد که جای تردیدی در اسانید و راویان آن وجود ندارد و تنها بر تحلیل و بازگشایی نکات مبهم و دسته‌بندی و طبقه‌بندی و رتبه‌گذاری آن می‌پردازد. او در این روش بسیار موفق بوده و خواننده را به تدریج و آهسته آهسته تا پایان کتاب به همراه خود می‌آورد».^۴

بر اساس مقدمه‌ای که مصحح المراتب بر آن نوشته، از این کتاب چند نسخه برجای مانده است. کهن‌ترین نسخه مربوط به سال ۶۸۱ هجری است. سه نسخه نیز بنا بر گزارش سید عبدالعزیز طباطبایی در قرن دوازدهم هجری در کتابخانه‌های هند وجود داشته است.^۵

این کتاب به وسیله مؤلف در یک فصل و سه مقصد تنظیم شده که بنا بر تصریح خود او در مقدمه کتاب، مقصد سوم آن بیست و پنج باب دارد؛ اگر چه در نسخه چاپ شده تنها بیست و چهار باب به چشم می‌خورد. مقصد اول به فضایی اختصاص یافته که برای دیگر صحابه هم ذکر شده است و امام علیه السلام آن فضایل را با مزیتی ویژه دارا است. مقصد دوم به فضایی پرداخته که در دیگر صحابه به صورت پراکنده یافت می‌شود و آن حضرت همه آن فضایل را یکجا دارد. مقصد سوم در خصوص فضایی است که منحصرراً در آن حضرت

۱. همان، ص ۱۱۶.

۲. عیون المسائل، ص ۳۸۵-۳۸۶.

۳. المراتب، ص ۲۵.

۴. همان، مقدمه، ص ۱۸.

۵. همان، مقدمه، ص ۱۴.

یافت می‌شود و دیگر صحابه از آن بهره‌مند نیستند. این بخش اخیر، بیشتر حجم کتاب را به خود اختصاص داده و بیشترین فضایی که بستی ذکر می‌کند، از نوع سوم است که در بیست و پنج باب آن را تنظیم کرده است.

الانوار فی معرفة الله ورسوله وصفه ما جاء به

الانوار مشهور به المنیر تألیف احمد بن موسی ابوالحسین طبری محدث زیدی است. المنیر با مجموعه‌ای از مباحث کلامی، حدیثی، تاریخی و تفسیری به تنزیه انبیا می‌پردازد. ابوالحسین طبری به تفصیل، آیاتی را که ظاهرشان به لغزش‌های انبیا دلالت دارد، بررسی کرده و معانی آن‌ها را براساس دیدگاه اهل عدل بیان می‌کند. او در مواردی از سخنان و خطابه‌های امام علیه السلام در این باره استفاده کرده است.^۱

تیسیر المطالب فی أمالی أبي طالب

تیسیر المطالب یا الأمالی تألیف ابوطالب هارونی است. این کتاب از مهم‌ترین مجموعه‌های حدیثی زیدیه است که ششصد و چهل و پنج حدیث مسند از رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و دیگر اهل بیت علیهم السلام را با موضوعات اعتقادی، فقهی و اخلاقی در خود جای داده است. قاضی جعفر تنظیم‌کننده این کتاب، احادیث آن را در شصت و چهار باب تنظیم کرد.^۲ ابوطالب هارونی در الأمالی از سی و شش شیخ حدیث، روایت می‌کند. بیشترین نقل او از ابوالعباس حسنی است که شامل صد و هشت روایت می‌شود.^۳ نود و هفت حدیث از ابوعبدالله محمد بن بندار آملی، نود و چهار حدیث از ابومحمد عبدالله قاضی، نود و یک حدیث از ابواحمد حافظ، هفتاد و نه حدیث از عبیدالله کرخی، سی و هشت حدیث از علی بن مهدی طبری و ...^۴

الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة

الإفادة^۵ تألیف ابوطالب هارونی در شرح حال امامان زیدی است و از این نظر اثری رجالی محسوب می‌شود. اساس کار، کتاب المصابیح استادش ابوالعباس حسنی است. هارونی در

۱. چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، ص ۱۴-۱۵.

۲. تیسیر المطالب، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۳۱.

۴. برای اطلاع از نام مشایخ و تعداد منقولات آنان رک: همان، ص ۳۱-۳۳.

۵. این کتاب نخستین بار به کوشش محمد یحیی سالم عزّان در سال ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م به چاپ رسید.

الإفاده به ذکر نام، نسب، مدت حکومت، طول عمر و محل دفن امامان زیدی پرداخته است. کتاب الإفاده در دوره‌های بعد با اقبال مورخان زیدی مواجه شد. افرادی مانند حاکم چشمی (م ۴۹۴ق) در شرح عیون المسائل، عبدالله بن حمزه (م ۶۱۴ق) در الشافی و دیگر آثارش، حمید بن احمد مَحَلّی (م ۶۵۳ق) در الحدائق الوردیه و ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان از آن بهره بردند.

راوی الإفاده تاج الدین احمد بن احمد بیهقی از شاگردان یحیی بن اسماعیل است که از عالم زیدی، شعیب بن داسیدن آن را سماع کرده است.^۱

نزهة الابصار و محاسن الآثار

اثری حدیثی متعلق به علی بن مهدی مامطیری است. مامطیری در نزهة الابصار روایات و سخنان امام علی علیه السلام را گردآوری کرده است. لذا این کتاب از نظر قدمت در تدوین سخنان حضرت علیه السلام، کهن‌تر از نهج البلاغه است و از این لحاظ اهمیت زیادی می‌یابد. البته این کتاب تنها به سخنان حضرت علی علیه السلام اختصاص ندارد و بلکه به برخی از حوادث و وقایع حیات آن حضرت نیز اشاره شده است. نویسندگان مختلفی از زیدیه و امامیه در تدوین و تکمیل آثارشان به این کتاب توجه داشته‌اند، مانند ابوطالب هارونی در الأمالی،^۲ امام موفق بالله در کتاب الاعتبار و سلوة العارفين،^۳ ابن شهر آشوب مازندرانی در برخی آثار خود.^۴^۵

سفرهای حدیثی محدثان زیدی

زیدیان در چند نقطه از سرزمین‌های اسلامی جمعیت بیشتری داشتند. به جز طبرستان، شهرهای کوفه، خراسان و ری نیز جایگاه خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز زیدی نمایانده‌اند که دارای فعالیت‌های مختلف فرهنگی و دینی نیز بوده‌اند.^۶ محدثان زیدی طبرستان با این حوزه‌ها و مراکز در ارتباط بودند و در کنار آن به حوزه‌های فعال امامیه نیز مسافرت می‌کردند.

۱. طبقات الزیدیه الکبری، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. نزهة الابصار، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۱۶.

۴. همان.

۵. نزهة الأَبصار و محاسن الآثار در سال ۱۳۸۷ هجری با تحقیق محمد باقر محمودی، توسط نشر المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه به چاپ رسیده است.

۶. زیدیه در ایران، ص ۱۳۵.

ری

ری یکی از مهم‌ترین مراکز علمی در قرون اولیه اسلامی بوده است. این شهر اگرچه در آغاز محل زندگی جمعیت‌های مسیحی و زرتشتی بود، اما مهاجرت عالمان زیدی به این شهر در قرن دوم هجری سبب شد تا جماعت‌های زیدی فراوانی در این شهر سکونت کنند. جامعه زیدی شهرری پس از به قدرت رسیدن آل بویه و دعوت آنان از علمای معتزلی مانند قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵ق) رونق گرفت و علمای مناطق دیگر را به مجالس درس او کشاند. قاضی در سال ۳۶۰ هجری به ری آمد و تا پایان عمر در این شهر سکونت داشت. حاکم چشمی فهرست کاملی از این عالمان را در کتاب *عیون المسائل* آورده است.

مطالعه احوال رجال زیدیه معلوم می‌کند که عموماً آن‌ها به کلام معتزله گرایش و تعلق خاطر داشته‌اند. لذا مجالس درس علمای معتزلی، مانند ابوعبدالله بصری (م ۳۶۹ق) و قاضی عبدالجبار معتزلی همواره شاهد حضور علمای زیدی بوده است؛ برای نمونه، ابوالحسین هارونی پس از آن‌که کلام معتزلی را در بغداد از ابوعبدالله بصری فراگرفت به ری رفت و در مجلس درس قاضی عبدالجبار معتزلی حضور یافت.^۱

ابوالعباس حسنی نیز در سال ۳۲۲ هجری به شهرری سفر کرد و از عالمان و بزرگان آن دیار، مانند ابوزید علوی از شخصیت‌های برجسته زیدی کوفه و ابن ابی حاتم رازی از محدثان شافعی حدیث شنید.^۲

کوفه

کوفه به دلیل گرایش‌های علوی به نخستین مرکز مهم فعالیت زیدیه تبدیل شد. اول بار، عالمان زیدی این شهر به تدوین آراء و عقاید زیدیه اقدام کردند. لذا کوفه در شکل‌گیری و تدوین منشور عقاید و مذهب زیدیه اهمیت زیادی می‌یابد. ابوالجارود زیاد بن منذر و حسین بن علوان از نخستین رهبران زیدیه در کوفه بودند.^۳ ناصر کبیر نیز مدتی در کوفه اقامت داشت و از محدثان این شهر حدیث شنید. کتاب *البساط* نشان دهنده تعلق ناصر به سنت زیدیان کوفه است؛ چرا که از آنان احادیثی را نقل کرده و براساس آن فتوا می‌دهد. از جمله موضوعاتی که ناصر کبیر به آن پای بند بوده، سنت تقیه است که احادیث دال بر آن را از

۱. تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۸.

۲. زیدیه در ایران، ص ۱۴۴.

۳. چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، ص ۱۰.

استاد کوفی خود محمد بن منصور مرادی نقل کرده است.^۱

بغداد

کتب رجالی و تاریخی از مسافرت‌های محدثان زیدی طبرستان به شهر بغداد سخن گفته‌اند؛ با آن‌که بغداد مرکز تجمع زیدیان نبود، اما وجود علمای طراز اول امامیه، برخی از محدثان زیدی مانند هارونی را روانه این شهر کرد. هارونی در سفر موقت و محدود خود به بغداد از محضر شیخ مفید عالم و محدث برجسته امامیه استفاده کرد.^۲

قم

اگرچه در قم هیچ‌گاه حوزه‌هایی برای فعالیت حدیثی زیدیه برقرار نشد، ولی قم از جمله حوزه‌هایی بود که محدثان زیدی به آن مسافرت کردند؛ برای نمونه، ناصر کبیر به قم رفت و از مشایخ بزرگ این شهر حدیث شنید. از اسناد کتاب البساط برمی‌آید که او با عالم و محدث برجسته امامی احمد بن عیسی دیدار داشته و از او روایت نقل می‌کند.^۳

تعامل محدثان زیدی با علمای امامیه

بین محدثان زیدیه و امامیه تعاملاتی برقرار بوده است. برخی از علمای امامیه در مجالس درس زیدیان شرکت می‌کردند. محمد بن امیدوار طبری - که از راویان شیعه و از استادان حسن بن حمزه محدث طبری در قرن چهارم هجری است - نقل می‌کند:

در مجلس درس ناصر کبیر حاضر بودم و او حدیثی از حرمان بن اعین نقل می‌کرد.^۴

تعامل محدثان زیدی با علمای اهل سنت

گزارش‌هایی از تعاملات گسترده علمای زیدیه با علمای اهل سنت، به ویژه معتزله وجود دارد. برخی از زیدیه در کلاس‌ها و حلقه‌های درسی آن‌ها شرکت می‌کردند. اساساً با مطالعه احوال برخی از بزرگان زیدیه درمی‌یابیم که آن‌ها نزد مشایخ معتزلی شاگردی کرده و علوم دینی، به ویژه کلام را از آن‌ها آموخته‌اند؛ مانند ابوالحسین هارونی که از شاگردان عبدالجبار معتزلی بود و از او کلام آموخت. همچنین از دیگر شاگردان طبری او احمد بن ابی هاشم

۱. البساط، ص ۶۹.

۲. تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۸.

۳. البساط، ص ۷۵.

۴. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۹۰.

(م ۴۲۵ق) مشهور به مائکدیم بوده است که تعلیقه‌ای نیز بر شرح الاصول الخمسه با نام تعلیق شرح الاصول الخمسه نگاشت.

این تعاملات گاهی تأثیرگذاریش در اعتقادات بود. در حقیقت، زیدیه در اعتقادات و اصول مذهب تابع رأی معتزله و در فقه حنفی بود^۱ و گاهی در نحوه نگارش کتاب‌ها تأثیر داشت. همزیستی اهل سنت و زیدیه در طبرستان، به ویژه در شهر آمل - که مرکز حکومت علویان بود - سبب شد تا مشابهت‌هایی در شیوه نگارش پیدا شود؛ برای نمونه، کتاب‌هایی که از محدثان زیدی در سیره علما و داعیان علوی نوشته شده به آثار اهل سنت در این زمینه شبیه است. کتاب المصایح نوشته ابوالعباس حسنی بسیار به کتاب‌هایی که اهل سنت در سیره‌نگاری می‌نویسند، شباهت دارد. در مقابل این تعاملات سازنده، برخی از فرقه‌های اهل سنت، مانند حنفیان، دیدگاه‌های زیدیه، به ویژه در زمینه فضایل ائمه علیهم‌السلام را بر نمی‌تاییدند و به رفتارهای پرتنش با این فرقه دست یازیده‌اند که نمونه‌ای از آن در رفتار حنفیان با ابوالقاسم بُستی یادکردنی است.^۲

ورود محدثان زیدی مذهب به طبرستان

پیشرفت علمی این منطقه، ظرفیت‌های پذیرش طالبان علوم را نیز ایجاد کرده بود. اگر چه در تاریخ گزارشی در این باره جز از مهاجرت ابوالقاسم بُستی از محققان و دانشمندان حوزه ری به آمل ثبت نشده است، ولی بعید به نظر نمی‌رسد، طبرستان به دلیل حضور قابل توجه زیدیه - که بسترهای نشر علوم دینی را نیز فراهم کرده بودند - مقصد سفرهای علمی محدثان و علمای زیدیه از سایر مناطق اسلامی نباشد و یا از بزرگان این مذهب برای تدریس در این حوزه دعوت نشده باشد.

نتایج تحقیق

۱. حضور زیدیه در این منطقه و علم دوستی آنان و به ویژه داعیان علوی سبب شد تا حوزه حدیثی زیدیه در طلیعه قرن چهارم هجری شکل بگیرد. از شاخص‌ترین چهره‌های زیدیه در طبرستان، ناصر کبیر (م ۳۰۴ق) بود که هم رهبری سیاسی و هم زعامت علمی این طائفه را بر عهده داشت. او پس از استعفا از حکومت، با ساخت مدرسه‌ای در شهر آمل - که آن را نخستین مدرسه جهان اسلام نامیدند - سنگ بنای آموزش نوین را بنیان نهاد و

۱. در این زمینه رک: زیدیه در ایران، ص ۹۱-۹۸.

۲. شرح عیون، ص ۳۸۵-۳۸۶.

جایگاهی رسمی برای آموزش های دینی افتتاح کرد. ناصر کبیر به همراه دیگر علمای زیدیه به آموزش و تربیت نسلی فرهیخته روی آورند؛ به گونه ای که آوازه این مدرسه جویندگان علم را از هر سوبه این شهر می کشاند. از دیگر چهره های شاخص این فرقه، می توان از ابوالعباس حسنی، علی بن بلال آملی، ابوالحسین هارونی و ابوطالب هارونی نام برد که هر یک با برپایی جلسات حدیثی، تألیف کتاب و تربیت شاگردان، سهم مهمی در سنت حدیث پژوهی زیدیه داشتند.

۲. محدثان زیدیه، گاهی در فقه و زمانی در حوزه اصول دین و اعتقادات از حدیث بهره می بردند و دست به خلق آثاری زدند که برخی از آن ها از آسیب ها در امان مانده و به دست ما رسیده است که می توان به الامالی ناصر کبیر، المصاییح حسنی، النبوات و الامالی الصغری ابوالحسین هارونی، المراتب بستنی، تیسیر المطالب و الافاده ابوطالب هارونی اشاره کرد.

کتابنامه

- اعیان الشیعه، سید محسن امین، بیروت: مؤسسه دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة، یحیی بن حسین هارونی، تحقیق ابراهیم محمد و هادی بن حسن بن هادی، صعده: مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۲ق.
- البدء و التاريخ، مطهر بن طاهر مقدسی، بی جا، مکتبه الثقافه الدینی، بی تا.
- البساط، ناصر للحق، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، صعده: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- الحدائق الوردیه، حمید بن احمد مُحَلّی، تحقیق مرتضی بن زید المحطوری، صنعاء: مطبوعات مکتبه مرکز بدر العلمی و الثقافی، ۱۴۲۳ق.
- الذریعه، آقابزرگ تهرانی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- الرجال، محمد بن الحسن طوسی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، قم، بی تا.
- الفهرست، محمد بن اسحاق بن ندیم، تحقیق سید ایمن فؤاد، مؤسسه الفرقان، ۱۴۲۰ق.
- الکامل فی التاريخ، عزالدین بن اثیر، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ش.
- المسالک و الممالک، ابوالقاسم عبیدالله بن خردادبه، بیروت: دار صادر، ۱۳۷۱ش.
- المصاییح، ابوالعباس حسنی، تحقیق عبدالله بن احمد حوثی، عمان: مؤسسه الامام زید، ۱۴۲۲ق.

- تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
- تاریخ تبرستان، اردشیر بزرگ، تصحیح محمد شکری، تهران: نشر سانس، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- تاریخ طبرستان، بهاء الدین ابن اسفندیار، تهران: نشر کلاله خاور، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
- تاریخ مدینه دمشق، ابوالقاسم بن عساکر، تحقیق العمری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- تتمه المصابیح، علی بن بلال آملی، تحقیق عبدالله الحوئی، صنعا: مؤسسه الامام زید، ۱۴۲۳ق.
- تیسیر المطالب فی أمالی أبی طالب، تحقیق عبدالله بن حمود، صنعا: مؤسسه الامام زید، ۱۴۲۳ق.
- چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان، محمد کاظم رحمتی، تهران: شب افروز، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
- حدود العالم، نویسنده ناشناس، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲ش.
- حوزه‌ها و مکاتب حدیثی، مهدی مهریزی، تهران: دارالحدیث، ۱۳۷۸ش.
- خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، حسن بن یوسف حلّی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- زیدیه در ایران، محمد کاظم رحمتی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
- شرح عیون المسائل، حاکم جشمی، تحقیق فؤاد سید، تونس: الدار، بی تا.
- طبقات الشافعیه الكبرى، عبدالوهاب بن سبکی، تحقیق طنناخی، قاهره: دارالکتب العربیه، بی تا.
- علویان طبرستان، ابوالفضل حکیمیان، تهران: الهام، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- فهرست أسماء مصنفی الشیعه، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- مطلع البدور و مجمع البحور، احمد بن صالح بن ابی الرجال، تحقیق عبدالرئیب مطهر، صعده: مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۵ق.
- معالم العلماء، محمد بن علی بن شهر آشوب، نجف: انتشارات المطبعه الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۵۲ش.

- موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی قم: مؤسسه امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
- نزهة الأبصار و محاسن الآثار، علی بن مهدی مامطیری، قم: مجمع العالمی، ۱۳۸۷ش.
- «دومورخ گمنام زیدی ایرانی، ابوالعباس حسنی و علی بن بلال آملی»، سید هاشم آعاجری، مجله تاریخ ایران، شماره ۵/۵۹، ۱۳۸۷ش.
- «علویان طبرستان، آغازگر حکومت شیعی در ایران»، انور خالدی، کتاب ماه تاریخ جغرافیه، شماره ۱۲۸، ۱۳۷۹ش.
- «معرفی پایان نامه؛ تسنن در طبرستان تا سده هفت هجری»، بابک رشنوزاده، کتاب ماه دین، ش ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۲، ۱۳۸۶ش.